

قرآن سرچشمه معارف الهی است. آیه «ان هذا القران بهدی للتی هی اقوم» بیانگر آن است که ستون خیمه هدایت، کلام خداوند است و انسانها در پرتو این خورشید بی زوال راه به سر منزل مقصود می برند. قرآن، تجسم آیه شریفه «اصلها ثابت و فرعها فی السماء توتی اکلها کل حین باذن ربها» است. درخت پرثمری است که بر سر حکیمان و فقیهان و مفسران و دانشمندان جهان سایه افکنده است و با میوه های آسمانی از طالبان علم و عمل صالح و تفقه در دین پذیرایی می کند. قرآن شفای دردهای پنهان و آشکار امت اسلامی است و اگر مسلمانان به این حبل المتین تمسک جویند و با این نور الهی به تمشیت امور خود بپردازند، از نابسامانی و پریشانی نجات می یابند. قرآن، ذکر خداست و هر کس از ذکر خدا روی بگرداند دچار ضنک معیشت می شود. فاصله گرفتن از قرآن، مساوی با استقبال از تسلط شیاطین بر امور اجتماعی و فردی جامعه است. قرآن مورد اتفاق همه فرق اسلامی و تنها مجموعه وحیانی و کتاب آسمانی است که در آن هیچ گونه تغییری رخ نداده است و روشن و رسا پاسخگوی همه عصرها و نسلهاست. در کنار قرآن، سنت رسول الله(ص) از منابع جاودان هدایت بشریت است. سیره و خلق و خوی پیامبر، گلستان معرفتی است که از باران وحی طراوت و سرسبزی گرفته است و برای ارشاد مردم در کنار قرآن جایگاه بی بدیلی دارد. قرآن و سنت و عترت رسول الله همان ثقلین اند که میراث معنوی نبی اعظم اسلام برای امت به شمار می آیند. با اتکاء به قرآن و سنت و با راهنمایی عقل سلیم، امت اسلامی قادر است در رویارویی با مسائل مستحدثه در جهان معاصر زندگی توحیدی و منزهی داشته باشد.

هر روز دامنه علم و فناوری وسعت بیشتری پیدا می کند و انسانها با تحولات جدیدی مواجه می شوند و اصل اجتهاد



اقتضاء می‌کند تا فقهای بصیر و جهان دیده، متناسب با زمان و مکان، ابواب فقه را به روی مسائل نو باز کنند و با ادله عقلی و بر وفق قرآن و سنت و همسو با تحولات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و فنی احکام اسلامی را استنباط و اعلام دارند. در گذشته فقهای مذاهب با نوشتن کتابهایی از نوع خلاف از تجارب فقهای مذاهب دیگر استفاده می‌کردند و نوعی تعامل علمی بین حوزه‌ها رواج داشت. در روزگار کنونی که سرعت توسعه علوم و تحولات اجتماعی بسیار بالاست، همکاری علمای مذاهب اهمیت بیشتری دارد و فضا را برای همبستگی و همگرایی در جهان اسلام مساعد می‌سازد. جهان اسلام نیاز مبرم دارد به فقهای باورع و پرهیزگاری که به مصداق «ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا» مصالح امت را با بینش الهی بررسی کنند و از قدرت تشخیص حقایق برخوردار باشند و به دور از تفرقه‌گرایی، ادله فقهای سایر مذاهب را بررسی کنند و نظر راهگشا و مأنوس با قرآن و سنت بدهند. فتاوی‌ای چنین فقیهانی همزمان با اوج‌گیری احیای احکام اسلامی و تسهیل کننده امور مسلمانان و حافظ مصالح عالیه آنان است و تبلوری است از آیه شریفه «الیه یصدق الکتب الطیب و العمل الصالح یرفعه» احکام فقیهان متعبد و روشن بین، جوانه‌های کلام طیب و عمل نیکوست که در فضای فرهنگ و فرزاندگی رشد می‌کنند و به امت مسلمانان شادابی و حیات طیبه می‌بخشد. هرگاه سخن از تقریب مذاهب اسلامی و فقه مقارن، به میان می‌آید انسان از باب حق شناسی، به یاد تعامل ارزشمند آیت الله العظمی بروجردی و علامه شیخ محمود شلتوت می‌افتد که در میانه قرن بیستم راه تفاهم و همبستگی اسلام را هموار کردند و در تداوم راه مصلحان و عالمان سلف، امت اسلامی را به اتحاد و انسجام و تشریک مساعی در حوزه معارف اسلامی و امور اجتماعی فرا خواندند و گام موثری به سوی توحید عملی برداشتند. در این برهه که نسیم بیداری اسلامی دلها را به وجد می‌آورد، جا دارد که علمای با بصیرت از مذاهب گوناگون گفتمانهای فقهی جدیدی را سازماندهی کنند و با استعانت از خداوند حکیم، متناسب با زمان و مکان، فقه اسلامی را گسترش دهند و با ایجاد ساختارهای نو در عرصه فرهنگ و تعلیم و تربیت و اقتصاد و فناوری بر وفق قرآن و سنت، راه ترقی و تعالی را به سوی مردم مسلمان بیش از پیش بگشایند. درج سلسله مقالاتی مرتبط با موضوع «فقه مقارن» در این شماره، تلاشی از استادان و فارغ التحصیلان دانشگاه مذاهب اسلامی و سایر علما در جهت هم اندیشی فقهای اسلامی و حرکت به سوی جهانی کردن اسلام است. امید است این طلیعه، سرآغاز حرکتهای علمی عمیق‌تری در آینده باشد.

در روزگار کنونی که سرعت توسعه علوم و تحولات اجتماعی بسیار بالاست، همکاری علمای مذاهب اهمیت بیشتری دارد و فضا را برای همبستگی و همگرایی در جهان اسلام مساعد می‌سازد. جهان اسلام نیاز مبرم دارد به فقهای باورع و پرهیزگاری که به مصداق «ان تتقوا الله يجعل لکم فرقانا» مصالح امت را با بینش الهی بررسی کنند و از قدرت تشخیص حقایق برخوردار باشند و به دور از تفرقه‌گرایی، ادله فقهای سایر مذاهب را بررسی کنند و نظر راهگشا و مأنوس با قرآن و سنت بدهند. فتاوی‌ای چنین فقیهانی همزمان با اوج‌گیری احیای احکام اسلامی و تسهیل کننده امور مسلمانان و حافظ مصالح عالیه آنان است